

● معاون تولید محتوا: علی الفتی

● مدیر پروژه ارزشیابی تشریحی: سید ایمان مصلح

طراحان

طراحان

گروه عمومی: علی اکبر آخوندی
۱۳۹۸گروه انسانی: علی اکبر آخوندی
۱۳۹۸ادبیات
فارسیمسئولین درس:
عماد فیض آبادی
محسن ابراهیم تهرانیابوالفضل غلامی • افشین محی الدین • احسان محسنی
عماد فیض آبادی • محسن ابراهیم تهرانیدین و
زندگیمسئولین درس:
علی اکبر آخوندی
زهرا محمدیمحمد کریمی • علیرضا دلشاد • علی اکبر آخوندی
زهرا محمدی • محبوبه ابتهسامزبان
انگلیسی

مسئول درس: سعید ابراهیمی

علی عاشوری • سعید ابراهیمی • امین امیدوار

علوم و
فنون ادبی

مسئول درس: فاطمه اکران

فاطمه اکران • گلاویژ جلالی • مینا پزنگ
مهراوه مجتهدجامعه
شناسیمسئول درس: الهام رضایی
دستیار: فاطمه صفریفروغ تیموریان • آریتا بیدقی • علیرضا مختاری
الهام میرزایی • آزاده میرزایی • الهام رضاییروان
شناسیمسئول درس: سیده ضحی سکاکی
دستیار: حسین اصفهانی

مهدی پارچه باف

زبان
عربیمسئولین درس:
پویا رضاداد
مائده خدایاری
دستیار: سارا حمزهاسرافیل قربان پور • محسن احدی • کیارش پورمهدی
امینه کارآمد • زهرا فرزانه

تاریخ

مسئول درس: الناز گنج کار
دستیار: الهه ریاحی نسبمهسا اصغری • سامان بهری • زهره قموشی
الهه ریاحی نسب

جغرافیا

مسئول درس: وجیهه صادقی

بهرروز یحیی • مهسا اصغری • الهه ریاحی نسب

فلسفه
و منطق

مسئول درس: نگین تربتی

اکرم یاسری • حسین صادقی • سیاوش خداشناس

اقتصاد

مسئول درس: امیر محمدبیگی
دستیار: محمدرضا مبارکی

آیدانا رستمی

هویت
اجتماعیمسئول درس: الهام رضایی
دستیار: فاطمه صفری

رضا کیانپور



۱-

الف) بساط شطرنج

ب) زشت، ناپسند (ذکر یک مورد کافی است)

۲-

گزینه ۱»

توضیح: واژه «وجه» در بیت گزینه ۱»، به معنی ذات و وجود است.

۳-

گزینه ۲

۴-

الف) طایر

ب) حوزه

ج) غرامت

۵-

گزینه ۱

توضیح: در گزینه ۱، سه خطای املائی هست: بنده‌گان، عنابت و نذر. اما در گزینه ۲، دو خطای املائی وجود دارد: وسول و معوا

۶-

صور و جشن: سور و جشن / زن و گمان: ظن و گمان / کاذبه و جاکاغذی: کازیه و جاکاغذی / محسور و گرفتار: محصور و گرفتار

۷-

الف) درست

ب) درست

ج) نادرست

توضیح: در «الف» و در جمله پایانی مفعول به قرینه لفظی مندرج در جمله قبل حذف شده: ما را فراغتی است که جمشید جم آن فراغت را نداشت. / ب) «دل زمانه» مناداست و هر منادا یک فعل محذوف به قرینه معنایی دارد. / ج) ضمیر «ش» در این مصراع متمم است: مگر از آتش دوزخ برای او روی رهایی باشد.

۸-

الف) مسند

ب) متمم

ج) مضاف‌الیه

د) نهاد

۹-

گزینه ۳»

توضیح: نمودار مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وسعت استان کرمان) همانند صفت پسین مضاف‌الیه است:

وسعت استان ← کرمان / ناله‌های روح ← دردمند



۱۰-

«دوچین» در «بوی شبدر دوچین» وابسته وابسته از نوع مضاف‌الیه است.

۱۱-

الف) خود را ایثار عشق کند.

ب) غیراسنادی

ج) دیگری

۱۲-

الف) یک فعل

ب) این محفل

۱۳-

مستور

توضیح: هم‌آوای مستور، واژه «مسطور» به معنی «نوشته شده» است.

۱۴-

تمهیدات

۱۵-

به ترتیب: تذکرة الاولیا / احمد عربلو

۱۶-

حسب حال

۱۷-

گزینه ۲»

۱۸-

الف) ← ۵

ب) ← ۳

ج) ← ۶

الف) تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

ب) لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران

ج) زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی



۱۹-

الف) درست

ب) نادرست

ج) درست

توضیح:

الف) محرم هوش بی‌هوشانند: تناقض / مصراع دوم مثال است و مصراع‌ها استقلال دستوری دارند، پس بیت اسلوب معادله دارد. / زبان مجاز از گوینده و گوش مجاز از شنونده است.
ب) به علت ادبی «حسن تعلیل» می‌گویند، پس این توضیح نادرست است.
ج) عبارت سجع ندارد و «دامن از دست رفتن» کنایه است.

۲۰-

الف) ← ۵

ب) ← ۱

ج) ← ۴

د) ← ۲

الف) تشبیه (بنای ظلم اضافه تشبیهی)

ب) اسلوب معادله

د) نماد (پروانه نماد عاشق حقیقی و آتش نماد معشوق است).

ج) مجاز (نفس مجاز از صحبت)

۲۱-

۱) جناس

۲) استعاره

۳) تضاد

۱) «بر» و «سر» جناس ناهمسان دارند.

۲) «دریای سبز» استعاره از آسمان است.

۳) بین سلیمان و اهرمن تضاد هست.

۲۲-

الف) مجاز (درهم و دینار مجاز از رشوه است)

ب) ایهام (۱: شراب ۲: همیشگی)

۲۳-

سکوت عاشقانه / توصیف ناپذیری معشوق / سکوت از سر حیرت (یا هر پاسخ مشابه)

۲۴-

بی‌اعتنایی به امور مادی یا بی‌اهمیتی کم و زیاد دارایی (یا هر پاسخ مشابه)

۲۵-

۱) اجباری بودن عشق

۲) از چاله به چاه افتادن، یا: از دزد خلاص شدن و گرفتار رَمال شدن (یا هر مَثَل مشابه)

۲۶-

الف) ← ۳

ب) ← ۴

ج) ← ۵

د) ← ۲

الف) ناپایداری قدرت

ب) اشتیاق فراوان عاشق

ج) توصیه به اعتراض

د) عاشقی تا پای مرگ

۲۷-

الف) تقابل عقل و احساس (یا هر پاسخ مشابه)

ب) تقابل فرهنگ با سیاست یا قدرت نظامی (یا هر پاسخ مشابه)

۲۸-

الف) عشق: دزد یا دزد دانا / ب) هوش: چراغ یا چراغ خانه

۲۹-

عالم‌الغیب بودن / ستارالعیوب بودن / عزت و ذلت به دست اوست (دو مورد کافی است، به پاسخ‌های مشابه نمره تعلق می‌گیرد).

۳۰-

نگاه‌های تجملی مردم امروزی و متمدن شهر، آن را کهکشان می‌بیند.

۳۱-

یک زمان، مردم دنیا از حکومت روم توقع و انتظار داشتند و از آن می‌ترسیدند.

۳۲-

ناچار در نظر سالکان و عرفا (یا: خواستاران) هرچیزی که با آن بتوان به خدا رسید، واجب است.

۳۳-

یکی از عارفان در دریای کشف حقایق عرفانی غرق شده بود.

۳۴-

مانند ازدها (یا مار) سمی حمله کن.

۳۵-

گفت: در سر باید عقل باشد، بدون کلاه بودن ننگ (یا: باعث شرمساری) نیست.

۳۶-

اگر روزگار عمر مرا نابود کند، بگویند نابود کند، زیرا برای من بسیار بی‌ارزش است.

۳۷-

خداوند به تو تخت پادشاهی بخشید.